

بازخوانی ارزش‌های راهبردی دولت تراز در اندیشه مهدوی امامین انقلاب

حسن ملائی^۱

سید عبدالقائم تهامی پور^۲

محمد باغگلی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با تمرکز بر آموزه‌های مهدوی در منظومه فکری امامین انقلاب، به بررسی و بازخوانی ارزش‌های «دولت تراز انقلاب اسلامی» می‌پردازد. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که در اندیشه مهدوی امامین انقلاب، چه ارزش‌هایی شالوده دولت تراز انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند و این ارزش‌ها چه نقشی در فرآیند حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که «عدالت»، «معنویت و اخلاق»، «امنیت»، «آزادی»، «عزت» و «مقاومت»، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزشی دولت تراز انقلاب اسلامی هستند و جایگاهی محوری در اندیشه مهدوی امامین انقلاب دارند. این ارزش‌ها، در آموزه‌های اسلامی و باور به مهدویت ریشه دارند و به مثابه معیارهایی برای سنجش سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و جهت‌دهی به آن‌ها در مسیر تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور، مطرح هستند. فهم و به‌کارگیری این ارزش‌ها، برای تحقق دولت تراز و دستیابی به جامعه‌ای برخوردار از عدالت، معنویت و امنیت، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: ارزش‌ها، دولت تراز، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، مهدویت، انقلاب اسلامی.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه، پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی، قم، ایران.

hmollaie@chmail.ir

۲. دانش‌پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

sat15331364@gmail.com

baghcoli@iran.ir

۳. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با رویکردی دینی و الهی و با هدف تحقق تمدن نوین اسلامی، پدید آمد که تجلی کامل آن در دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رقم خواهد خورد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۷/۱۴ و خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ص ۳۲۷). یکی از مراحل نیل نظام جمهوری اسلامی به هدف نهایی خود، تشکیل دولتی با معیارها و شاخصه‌های اسلامی است. چنین دولتی که از آن با عنوان «دولت تراز» یاد می‌شود، مؤلفه‌های خاص و ویژه‌ای دارد که آن را از سایر نظام‌ها و دولت‌های جهان، متمایز می‌سازد. از بارزترین ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی که محصول آرمان‌گرایی راهبردی در پرتو آموزه‌های مهدوی است؛ اتکای ساختارهای آن بر ارزش‌هایی با ماهیت و کارکردی ممتاز و منحصر به فرد است. از این رو، توجه به ارزش‌های دولت تراز اسلامی و بررسی و بازخوانی آن‌ها امری ضروری به شمار می‌آید.

بازخوانی ارزش‌های دولت تراز در اندیشه مهدوی امامین انقلاب، بدین سبب است که آموزه مهدویت به عنوان یکی از منابع الهام‌آفرین در منظومه فکری امام خمینی و مقام معظم رهبری شناخته شده و نقش اساسی در استقرار دولت اسلامی کارآمد و پاسخ‌گو ایفا می‌کند. این آموزه، ارزش‌های دینی را در قالبی شفاف و قابل فهم عرضه و بستر لازم را برای تحولات بنیادین فراهم می‌کند؛ تحولاتی که می‌توانند نقش محوری در تحقق نظام سیاسی اسلامی داشته باشند. تبیین دقیق مفاهیم و آرمان‌های انقلاب اسلامی، مسیر کلی حرکت نظام را در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سامان می‌بخشد و با تبیین شاخص‌ها و معیارهای دولت تراز انقلاب، از ورود دیدگاه‌های فردی و انحراف از مسیر اصلی جلوگیری می‌کند.

از دیدگاه امام خمینی، مهدویت تنها باوری اعتقادی نیست، بلکه محرکی برای حرکت و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پیشرفته است (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ص ۴۸۲). امام خمینی آموزه مهدویت را پایه و ریشه مباحث خود در زمینه تئوریزه کردن حکومت و تمدن اسلامی قرار داد؛ ظرفیتی که کم‌تر مورد توجه دیگران در این عرصه قرار گرفته است. ایشان از بارزترین متفکرانی است که به تحلیل جامعه براساس فرهنگ مهدویت پرداخته و کوشیده است با تفسیر درست از مبحث انتظار، راهی برای برون‌رفت جامعه از بن‌بست‌های عصر غیبت بیابد. امام خمینی با باور به ارتباط مهدویت و تمدن اسلامی، به منظور نهادینه‌سازی این آموزه و

اصلاح برداشت‌های نادرست از آن، به تبیین و تحقق تمدن اسلامی پرداخت (آشوری و محمدی، ۱۳۹۹: ص ۷).

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، الگوی جامعه مهدوی دو فایده مهم برای تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی دارد: نخست آن که این الگو، تصویری روشن از جامعه‌ای ارائه می‌کند که باید پیش از ظهور امام زمان، بر اساس ارزش‌هایی همچون عدالت، معنویت و اخلاق اسلامی ساخته شود. بنابراین، می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی‌های کلان و جهت‌دهنده سیاست‌گذاری‌ها برای ساخت دولت اسلامی باشد. دوم آن که این الگو با ترسیم آینده‌ای الهی و امیدبخش، روحیه پایداری و مبارزه را در جامعه تقویت و از بروز یأس و ناامیدی جلوگیری می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ملت در مسیر تحقق اهداف بلند انقلاب اسلامی، با انگیزه و استقامت بیش‌تری حرکت خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ص ۲۰۶ و ۳۰۶-۳۰۷). در واقع، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، با نظریه‌پردازی و بهره‌گیری از رویکردی چون مهندسی معکوس تمدنی، آرمان‌نهایی نظام جمهوری اسلامی را در نظر گرفته و به طراحی مسیر کنونی جامعه می‌پردازند.

آنچه ضامن مشروعیت و پایداری ساختار سیاسی در جمهوری اسلامی است، حضور نهادهای دینی در قدرت و التزام مستمر و جهت‌مند به ارزش‌هایی است که در متن شریعت و وعده‌های انقلابی ریشه دارند. حفظ این جهت‌گیری در بلندمدت، نیازمند بازاندیشی پیوسته در ارزش‌ها، ساختارها، سیاست‌ها و عملکردهای اجرایی است تا همسویی نظام با اصول اسلامی تضمین شود. بنابراین، بقای انقلاب اسلامی ایران، به نهادینه‌سازی سازکارهایی وابسته است که از انحراف اهداف بنیادین، جلوگیری کنند. این مسئله همواره یکی از دغدغه‌های اصلی متفکران و کنشگران متعهد به انقلاب اسلامی بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز انحراف نظام سیاسی را نه در ناکامی‌های اجرایی یا چالش‌های موقتی، بلکه در گسست از مسیر آرمانی انقلاب تعریف می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹).

انقلاب اسلامی ایران با هدف دستیابی به دولت اسلامی بر پایه ارزش‌های توحیدی و عدالت‌محور شکل گرفت. با این حال، مسیر تحقق این هدف متعالی، با چالش‌ها و موانع متعددی همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین موانع، فاصله گرفتن تدریجی از ارزش‌های اصیل انقلاب در ساحت نظری و عرصه‌های اجرایی است. رهبر انقلاب نیز عدم پابندی به ارزش‌ها را



یکی از موانع اصلی تحقق دولت اسلامی می‌دانند (ثقفی، ۱۳۹۱: ص ۲۷۴). این گسست ارزشی، افزون بر فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی، تهدیدی جدی برای اصالت گفتمان انقلاب و انحراف از مسیر تحقق دولت اسلامی به شمار می‌آید. از این رو، بازتولید مستمر این ارزش‌ها و صیانت از آن‌ها در حوزه نظریه‌پردازی و نظام حکمرانی، ضرورتی بنیادین در فرآیند گذار از وضعیت انقلابی به استقرار دولت اسلامی است.

دین اسلام، در کنار پافشاری بر برپایی حکومت به عنوان یک نیاز و بایسته اجتماعی، بیش‌ترین سفارش را بر شکل‌گیری حاکمیت ارزش‌های اسلامی متمرکز کرده است؛ چرا که با فهم، حفظ و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، اهداف اسلامی محقق می‌شود. دولت تراز انقلاب اسلامی، یعنی دولتی که مسئولان آن، خود را با معیارها و اصول اسلامی هماهنگ می‌کنند و ارزش‌های خود و جامعه را با ارزش‌های اسلامی و مبانی انقلاب تطبیق می‌دهند. این تطبیق علاوه بر کمک به ثبات و کارایی دولت، به تحقق اهداف انقلاب و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه می‌انجامد. از این رو، ارزش‌های اسلامی باید در تمامی فرآیند انقلاب در نظر گرفته شوند. نوشتار حاضر، در تلاش است با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد معتبر کتابخانه‌ای، به تبیین و تحلیل ارزش‌های دولت تراز انقلاب اسلامی در اندیشه مهدوی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی به جنبه‌های مختلف دولت اسلامی و نقش مهدویت در تمدن‌سازی به صورت جداگانه پرداخته‌اند؛ اما مطالعه‌ای که به طور خاص ارزش‌های راهبردی دولت تراز انقلاب اسلامی را در اندیشه مهدوی امامین انقلاب بررسی کند، یافت نشد. نزدیک‌ترین مطالعات موجود به این موضوع، عبارتند از: مقاله «مبانی و شاخص‌های دولت اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (صادقی و موحدی، ۱۴۰۲: ص ۱۹۵-۲۲۲) و پژوهش «شاخص‌های دولت تراز انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری» (مرتضوی، ۱۴۰۰: ص ۴۵-۵۶) و مقاله «نقش آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (بهروزی لک و کفیلی، ۱۴۰۱: ص ۷-۲۷). بنابراین، در مقاله حاضر تلاش شده است که چارچوب ارزشی مبتنی

بر گفتمان مهدویت برای دولت تراز انقلاب اسلامی، با استناد به آرا و رهنمودهای امامین انقلاب، تبیین شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. ارزش‌های راهبردی

«ارزش» در لغت به معنای بهاء، قیمت، قدر، برزندگی و شایستگی (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۱۵) و در اصطلاح، مفهومی است که بار معنایی خاصی دارد و انسان به برخی اعمال، حالت‌ها و پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن‌ها در زندگی خود اهمیت و ارجحیت قائل است (ملکی، ۱۴۰۳: ص ۱۴۲). ارزش‌ها از ارکان بنیادین حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌روند و نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به تصمیم‌گیری‌ها، رفتارها و اهداف ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را خاستگاه شکل‌گیری هنجارها، کنش‌ها و نظم اجتماعی دانست (کوئن، ۱۳۶۹: ص ۶۱ و شارون، ۱۳۸۸: ص ۱۹۱). این مفاهیم، زمینه‌ساز توانمندی انسان در انتخاب، داوری و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های گوناگون‌اند و چارچوبی برای ارزیابی امور در اختیار او قرار می‌دهند (آرون، ۱۳۸۵: ص ۶۵۳ و شارون، ۱۳۸۸: ص ۱۹۱). برخی اندیشمندان، ریشه ارزش را در مفهوم «مطلوبیت» جست‌وجو می‌کنند و آن را معادل ترجیحات و اولویت‌های مطلوب فرد یا جامعه می‌دانند (ریترز، ۱۳۸۹: ص ۱۳۶-۱۴۰).

ارزش‌ها در حقیقت اموری مطلوب و مقبولند که برای انسان‌ها اهمیت و اولویت دارند. آن‌ها مجموعه‌ای از باورها و معیارهای مطلوبیت‌اند که رفتار، انتخاب و قضاوت انسان را در سطوح مختلف فردی و اجتماعی هدایت می‌کنند. هر مکتب، ارزش‌های خاص خود را دارد که در مبنای آن مکتب ریشه دارند و در قالب اصول، راهبردها و رفتارهای عملی تجلی می‌یابند.

«راهبرد» (استراتژی) به معنای برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف از طریق بهره‌گیری از نیروها و امکانات است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۴۴۲). ارزش‌ها را می‌توان در سطوح و ابعاد مختلفی تحلیل کرد؛ از سطح مبنایی و فلسفی گرفته تا سطوح رفتاری و حتی فیزیولوژیکی (حاذقی، ۱۴۰۰: ص ۵). در این میان، سطح راهبردی ارزش‌ها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار



است. منظور از «ارزش‌های راهبردی»، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که در فرآیند طراحی و تدوین سیاست‌های کلان و مدیریت راهبردی جامعه دینی نقش ایفا می‌کنند. این ارزش‌ها واجد کارکرد عملی‌اند و جهت‌گیری تصمیم‌های کلان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تعیین می‌کنند. بازتاب این ارزش‌ها را می‌توان در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مانند قانون اساسی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مشاهده کرد؛ اسنادی که چارچوب ارزشی حرکت نظام اسلامی را تبیین کرده‌اند.

۲-۱. دولت تراز

«دولت» در لغت بر وزن شوکت و نقیض نکبت است (برهان، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۰۴). این واژه به معانی زمان سلطنت، هیات سلطنت و ممالک تحت تصرف هر حکومتی نیز به کار رفته است (نفیسی، ۱۳۴۵: ج ۲، ص ۹۵۵).

دولت را در اصطلاح می‌توان ساختی از قدرت دانست که ملت‌ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می‌آورند (آشوری، ۱۳۹۱: ص ۱۶۳). دولت، مفهومی چند معنایی است: در معنای «اعم»، کل نظام سیاسی کشور؛ در معنای «عام»، هر سه قوه و در معنای «خاص»، قوه مجریه را در بر می‌گیرد (مهربان، ۱۰۴۱: ص ۸۷-۱۰۲).

مراد از دولت در این پژوهش، ساختاری از قدرت و حکمرانی در معنای عام آن است که مجموعه‌ای از کارگزاران، نهادها و قوای سه‌گانه، همراه با رهبری و سایر مسئولان کشور را شامل می‌شود؛ نهادی که وظیفه تأمین نظم، قانون، عدالت و دفاع از مصالح عمومی را بر عهده دارد. همین معنای عام و جامع است که آیت‌الله خامنه‌ای بر آن تأکید دارد و صرفاً این معنا به قوه مجریه یا هیئت وزیران ناظر نیست.

«تراز» در زبان فارسی به معنای سطح، میزان یا تعادل است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۱۷). این واژه معمولاً به صورت استعاری برای اشاره به یک معیار، استاندارد یا الگو به کار می‌رود؛ معیاری که بر اساس آن می‌توان اشیا یا پدیده‌ها را مقایسه و ارزیابی کرد. در بحث «دولت تراز»، واژه تراز به معنای معیارهای پایه‌ای و قابل قبول در ساختارهای دولت است؛ معیارهایی که سنجش دولت بر اساس آن‌ها انجام می‌شود و میزان انطباق دولت با این شاخص‌ها

تعیین‌کننده تراز آن خواهد بود.

۲. ارزش‌های دولت تراز انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، با الهام از آموزه‌های رهایی‌بخش اسلام، از بدو شکل‌گیری بر مجموعه‌ای از ارزش‌های بنیادین تأکید ورزیده است. این ارزش‌ها، قطب‌نمای حرکت نظام اسلامی به سوی تمدن نوین اسلامی بوده و نقش محوری در شکل‌گیری و عملکرد «دولت تراز» دارند. ارزش‌های مذکور، الگویی مطلوب از حکمرانی اسلامی ارائه می‌کنند که نظام اسلامی، به رعایت و تحقق این ارزش‌ها در تمامی ابعاد آن ملزم است. دولت تراز، به عنوان هدف حکمرانی اسلامی، در گرو توجه و تحقق این ارزش‌های اساسی است که هویت و جهت‌گیری انقلاب را مشخص می‌کنند.

در میان بسیاری از ارزش‌ها، «عدالت»، «امنیت»، «اخلاق و معنویت»، «عزت»، «آزادی» و «مقاومت» از جایگاه ویژه و راهبردی برخوردارند. این ارزش‌ها که در گفتمان رهبران و متفکران انقلاب تبلور یافته و در اسناد بالادستی نظام مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ مهم‌ترین ارزش‌های دولت تراز را تشکیل می‌دهند. در ادامه به این ارزش‌ها پرداخته خواهد شد:

۲-۱. عدالت فراگیر

«عدل» در لغت به معنای اعتدال و میانه‌روی در امور و در مقابل جور و ستم است (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۹۶). «عدالت» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، به معنای یکسان بودن افراد در برخورداری از همه امکانات نیست؛ بلکه عدالت به معنای برابری فرصت‌ها و حقوق و بهره‌مندی همه افراد از موقعیت‌های رشد و پیشرفت است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). ایشان، عدالت را شعار اصلی انقلاب معرفی کرده و بر مبارزه با فساد و رانت‌خواری تأکید دارد (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). در اندیشه مهدوی رهبران انقلاب، گسترش عدالت، بستری برای آماده‌سازی جامعه و حرکت به سوی ظهور می‌باشد. امامین انقلاب، تحقق عدالت و مبارزه با فساد را از مؤلفه‌های بنیادین نظام اسلامی دانسته و همواره بر ضرورت نهادینه‌سازی آن در ساختارهای حکمرانی تأکید داشته‌اند. از منظر امام خمینی، تنها حکومتی که بتواند عدالت را



در سطح جامعه با در نظر گرفتن مصالح همه قشرها به کار گیرد، حکومتی مبتنی بر اصول اسلام است (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۴۱۷).

اختلاف دولت‌ها در ایدئولوژی و فلسفه سیاسی، سبب شده که ماهیت و تعریف عدالت نزد آن‌ها نیز تفاوت اساسی داشته باشد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، نگرش اسلامی به عدالت، با رویکرد نظام‌ها و نظریه‌های غربی، تفاوتی اساسی و بنیادین دارد. عدالت در مکاتب غربی به اشکال مختلف، مطرح می‌شود - در سوسیالیسم یک جور، در لیبرالیسم یک جور - با همه تطورات و شکل‌های گوناگونی که این مکاتب داشته‌اند، در هیچ کدام از این‌ها، نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و اساسی و مبتنی بر ارزش‌های اصولی مثل دین و مثل اسلام نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). برای نمونه نظام‌های لیبرالی، عدالت را بر اساس گفتمان فایده‌گرایانه و افزایش حداکثری رفاه عمومی یا بر پایه گفتمان کانتی و آزادی و حقوق فردی تبیین می‌کنند (عباسپور، ۱۳۹۳: ص ۳۷۳). اما در حکومت جمهوری اسلامی ایران که بر اسلام مبتنی است، عدالت از پشتوانه‌ای محکم و استوار برخوردار است و مبنای دینی، الهی و عقلی دارد.

یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران، تحقق عدالت، مستند بر مبنای دینی می‌باشد. از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، عدالتی به عنوان ارزش اساسی در انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که با پشتوانه اصول دینی و اسلامی مورد تایید قرار گرفته باشد. در پرتو اجرای چنین عدالتی است که سیاست‌گذاری‌های عادلانه و توزیع منصفانه منابع، اعتماد عمومی را تقویت و انسجام اجتماعی را به عنوان پیش‌نیاز جامعه اسلامی فراهم می‌کند؛ و فهم و پایبندی به آن، دولتمردان را از رفتارهای طاغوتی مانند فساد بازمی‌دارد و دولت را به اجرای قوانین اسلامی ملزم می‌سازد. دولت تراز با تحقق عدالت به این معنا، به عنوان مقدمه‌ساز ظهور عمل و جامعه را به ویژگی‌های حکومت مهدوی نزدیک می‌کند.

عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران، فقط به عنوان یکی از اهداف مقطعی و موقتی برای کسب مشروعیت نیست، بلکه به مثابه پیوندی بین انقلاب اسلامی و حکومت مهدوی برای هدف‌گذاری‌های نظام و حرکت به سمت آینده روشن، در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، تلاش برای برقراری عدالت و تحمل سختی‌های فراوان در این راه، معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند و هر گامی برای مبارزه با ظلم و افزایش عدل، نه تنها موفقیتی برای یک شخص یا

جامعه، بلکه کمکی به جامعه بشری برای دستیابی به چشم‌انداز متعالی عدالت خواهد بود و ملت‌ها را از افتادن در دام عدالت‌های ناقص حفظ خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان بستری زنده برای هم‌افزایی اندیشه و عمل، با گسترش عدالت در ساختار جامعه اسلامی، نقشی الهام‌بخش و الگوآفرین در میان ملت‌های جهان ایفا کند. این الگو، با هدف تحقق عدالت در سطوح گوناگون جهانی، هرچند ممکن است با چالش‌ها و موانعی مواجه شود؛ می‌تواند زمینه‌ساز بیداری و تقویت‌گرایی فطری انسان‌ها به سوی عدالت‌خواهی باشد. به عبارت دیگر، نظام جمهوری اسلامی با نهادینه‌سازی فرهنگ عدالت‌خواهی و ترویج آن، جامعه را برای پذیرش عدالت مطلق مهدوی آماده می‌کند.

۲-۲. امنیت، بستر بسیاری از ارزش‌ها

«امنیت»، ضد خوف و از ریشه «امن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۳۸۸). مفهوم امنیت به حوزه‌ای خاص محدود نیست، بلکه دامنه گسترده‌ای دارد و ابعاد متنوعی از زندگی را در بر می‌گیرد؛ از امنیت فردی و اجتماعی گرفته تا اقتصادی، روانی، نظامی، فرهنگی و سیاسی. رهبر انقلاب اسلامی از امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها نام می‌برد. ایشان با استناد به آیه شریفه «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴). به دو نعمت مهم الهی اشاره دارند: تأمین نیاز غذایی و رفع ناامنی. در آیه یاد شده، خداوند متعال این دو نعمت را به عنوان جلوه‌های لطف الهی به بندگان معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۷۹).

در منابع روایی و تفسیری شیعه و سنی، ذیل آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)؛ روایات زیادی در زمینه زمان تحقق وعده الهی نقل شده است. احادیث شیعه، وعده الهی در آیه مذکور را متحقق در عصر ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند. در آیه مذکور بعد از بیان مسئله تمکین و تثبیت دین حق، از امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های عصر ظهور یاد شده است.

مفاد آیات و روایات مهدوی، استقرار امنیت در عصر ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، در همه ابعاد از



جمله جنبه‌های معنوی، اخلاقی، معیشتی، انتظامی است (نजारزادگان، ۱۳۸۹: ص ۱۸۰). در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت در همه عرصه‌ها به جامعه باز می‌گردد و زندگی مردم سرشار از امنیتی خواهد بود که بشر در هیچ زمانی، مانند آن را ندیده است (طبسی، ۱۳۸۵: ص ۲۳۹). هر چند امنیت مطلق و همه جانبه در دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود؛ تلاش برای فراهم کردن امنیتی نسبی، در واقع حرکت به سمت جامعه آرمانی موعود و مقدمه‌سازی برای آن خواهد بود. بنابراین، حکومت پیشرو در جهت پیشبرد آرمان‌های مهدوی، باید تأمین امنیت فراگیر را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد و گامی مؤثر برای رسیدن به آن امنیت فراگیر موعود بردارد.

مقام معظم رهبری امنیت را برای کشور ایران، ارزشی بسیار والا و اساسی و عنصری حیاتی دانسته و علت آن را این‌گونه بیان می‌کنند:

«بدون امنیت، همه‌ی ارزش‌های مهم کشور دچار اختلال خواهند شد؛ هم رفاه، هم عدالت، هم دانش‌ورزی و دیگر ارزش‌های مهم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱). ایشان در جای دیگری فرمودند: «آن چیزی که موجب می‌شود یک کشور بتواند دانشمند تربیت کند، بتواند در بخش‌های مختلف رشد کند، وجود امنیت است. بستر امنیت برای یک کشور از همه چیز مهم‌تر و لازم‌تر است» (همان، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

بنابراین، می‌توان یکی از دلایل اهمیت امنیت را بسترسازی برای بسیاری از ارزش‌های دیگر مانند عدالت و پیشرفت دانست. به نظر می‌رسد که استقرار دین اسلام در جامعه موعود نیز که آیه به آن اشاره می‌کند، در سایه همین امنیت و الا اتفاق خواهد افتاد.

در عصر حاضر، هر یک از ملت‌های جهان با توجه به ساختار سیاسی و ایدئولوژی نظام حاکم بر جامعه خود، با اهداف متفاوت به تحلیل و واکاوی مسئله امنیت می‌پردازد. برای نمونه ممکن است نظام سوسیالیستی، عدالت اجتماعی و برابری را محور امنیت بداند. امنیتی که در نظام فکری اسلام مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است، در رویکردی دینی و توحیدی است و با دیدگاه‌های سایر جریان‌ها تفاوت بنیادین و اساسی دارد:

مکاتب امنیتی بر مبنای نظری هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی‌های مدرن استوار شده‌اند و از نظر مسائل عینی نیز بیش‌تر به جوامع غربی، اروپایی و

آمریکایی تعلق دارند و تبیین‌ها و نقدهای موجود بیش‌تر درون پارادایمی است، تا نقد جوهری هستی‌شناسی و انسان‌شناختی که از رویکردی متفاوت در فهم و مقوله‌سازی درباره امنیت نشأت گرفته باشد (قیصری، ۱۳۹۳: ص ۲۷).

از نظر بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری، امنیت پایدار و فراگیر در پرتو حاکمیت اسلام و آموزه‌های آن محقق می‌شود. این دو اندیشمند اسلامی، در موارد متعددی به رویکرد سازمان ملل و شورای امنیت انتقاد کرده و عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر برخی دولت‌های زورمند دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۷۸: ص ۴۳۱). امنیت با نگرش اسلامی و توحیدی، بسیار عمیق‌تر و متعالی‌تر از نگرش نظام‌های مادی‌گرا بوده و فاصله زیادی با دیدگاه یک‌جانبه‌گرایانه آن‌ها دارد. در بسیاری از مکاتب دنیا، امنیت برای تأمین نیازهای دنیوی مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد؛ اما این مقوله در جامعه اسلامی، در سایه ایمان و تقوا به دنبال فراهم کردن بستری شایسته برای تحقق سعادت انسان در دنیا و آخرت است. بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و احکام اسلامی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، برای ایجاد همین امنیت همه‌جانبه در جامعه دینی قابل تفسیر هستند (نیکزاد، ۱۳۸۱: ص ۲۷). تقویت ایمان، تعمیق باورها، تخلق به اخلاق نیکو، رعایت احکام و قوانین اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی از جمله اموری هستند که می‌توان در ترویج و افزایش امنیت در دو بعد فردی و اجتماعی نام برد.

امنیت در اسلام با محوریت عدالت، تقوا و ایمان به خداوند شکل می‌گیرد. برخلاف نظام‌های مادی‌گرا که امنیت را غالباً به بُعد اجتماعی یا سیاسی تقلیل می‌دهند؛ در اسلام امنیت به تحقق سعادت انسان در دنیا و آخرت گره خورده است. به بیان دیگر، امنیت در جامعه اسلامی به معنای فراهم کردن بستری است که در آن، انسان‌ها بتوانند در آرامش، عدالت و ایمان به خداوند زندگی کنند. بنابراین، دیدگاه اسلامی درباره امنیت نه تنها مفهومی اجتماعی، بلکه نظامی جامع و فراگیر است که تمام ابعاد زندگی انسانی را پوشش می‌دهد. این تفاوت بنیادین با دیدگاه‌های مادی‌گرا، نشان‌دهنده عمق و جامعیت اندیشه اسلامی در زمینه امنیت است.

جمهوری اسلامی ایران ابتدا با افزایش اعتماد عمومی و حفاظت از موجودیت نظام، به تثبیت امنیت ساختاری پرداخته و سپس با ترویج معنویت‌گرایی و عبور از امنیت صرفاً مادی به سوی امنیت مبتنی بر ارزش‌های الهی، به مرحله پایدارسازی امنیت معنوی و اخلاقی جامعه خواهد



رسید. در نهایت نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با گفتمان‌سازی جهانی امنیت، بستری برای شکل‌گیری یک نظم بین‌المللی عدالت‌محور فراهم آورد و با تکیه بر وحدت و هم‌افزایی ملت‌ها، به تقویت امنیت انسانی با رویکرد الهی و نه محدود به جنبه‌های مادی، نایل آید.

۳-۲. آزادی مبتنی بر مسئولیت

در اسلام، «آزادی» موهبت الهی شناخته می‌شود که در کرامت ذاتی انسان ریشه دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). این کرامت، همان آزادی ذاتی انسان است که هیچ نظام یا قدرتی نمی‌تواند آن را به طور کامل سلب کند. این آزادی تنها به معنای رهایی از قید و بندهای ظاهری نیست، بلکه مسئولیت‌ها و تکالیف دینی و اخلاقی را شامل است. آزادی حقیقی در اسلام، زمینه‌ساز رشد فردی و اجتماعی می‌شود؛ زیرا با هدایت الهی همراه است. به عبارت دیگر، اسلام آزادی را به عنوان نوعی «حق» تعریف می‌کند؛ اما این حق باید در چارچوب ارزش‌های دینی و اخلاقی حفظ شود. قرآن کریم در آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)؛ به احترام انتخاب فردی اشاره می‌کند و این اصل را مبنایی برای آزادی اندیشه و اعتقاد قرار می‌دهد. این، بدان معناست که هر فرد حق دارد به دلخواه خود تصمیم‌گیری کند؛ اما این تصمیمات باید با اصول دینی و اخلاقی هماهنگ باشند. محدودیت‌های شرعی، مانند منع توهین به مقدسات، اشاعه فحشا یا تهمت، به منظور حفاظت از کرامت فردی و جمعی وضع شده‌اند. این محدودیت‌ها نباید به عنوان سرکوب آزادی تفسیر شوند؛ بلکه نقش آن‌ها در جلوگیری از فساد و تعدی به حقوق دیگران است.

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه با بیان: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ بنده دیگران مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۲۹)؛ تأکید می‌کند که انسان به طور ذاتی آزاد است و نباید خود را در بندگی غیر خدا گرفتار کند. این دیدگاه نشان می‌دهد که آزادی در اسلام از نوعی حق فردگرایانه فراتر است و باید در قالب مسئولیت‌های اجتماعی و دینی مورد استفاده قرار گیرد. امام خمینی نیز در تبیین مسئله آزادی، این‌گونه بیان می‌کنند: «اسلام به انسان آزادی اندیشه داده، اما آزادی توطئه و فساد نه» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ص ۳۹۳). این گفته نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، آزادی به صورت



مطلق و بی‌قید و شرط تعریف نمی‌شود، بلکه در چارچوب مسئولیت‌ها و ارزش‌های الهی قرار دارد. در اسلام، آزادی نه تنها به عنوان حق فردی، بلکه به عنوان عاملی برای تحقق عدالت اجتماعی و رشد فرهنگی محسوب می‌شود. اصل امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که آزادی، با مسئولیت‌پذیری و تعهد به نیکوکاری و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، قابل جمع است.

دولت تراز انقلاب اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی و در پرتو چشم‌انداز حکومت مهدوی، تلاش می‌کند الگوی متعادلی از آزادی اجتماعی ارائه کند؛ الگویی که هم پاسدار حقوق فردی باشد و هم به مسئولیت‌های جمعی ملتزم. این نگاه، برخلاف برداشت‌های غرب‌زده از آزادی، بر کرامت انسانی و هدایت الهی مبتنی است و هدف آن، رهایی انسان از سلطه‌های بیرونی و درونی برای تحقق بندگی خالصانه خداوند است.

انقلاب اسلامی با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» شکل گرفت و آزادی در این چارچوب نه اباحه‌گری، بلکه رشد در چارچوب حدود الهی و رعایت حقوق دیگران است. دولت تراز با ایجاد بسترهای فرهنگی، تربیتی و قانونی مانند آموزش صحیح، ترویج فرهنگ دینی و امر به معروف و نهی از منکر سازنده، زمینه درک و تجربه این آزادی مسئولانه را فراهم می‌سازد. این تلاش، تمرینی است برای جامعه‌ای که در عصر ظهور به رهبری امام معصوم علیه السلام، آزادی حقیقی را تجربه خواهد کرد؛ آزادی که از رشد درونی و اتصال به منبع هدایت سرچشمه می‌گیرد و انسان را به مقام خلیفه‌اللهی می‌رساند.

۴-۲. معنویت و اخلاق

«اخلاق»، جمع خُلُق و در لغت به قوا و سجایایی گفته می‌شود که با بینش و بصیرت، قابل فهم است (راغب، ۱۴۱۲: ص ۲۹۷). «معنویت» به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان، در خود و جامعه، و «اخلاق» به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). یکی از موضوعاتی که آیت‌الله خامنه‌ای به آن تأکید می‌کنند، آرمان‌گرایی در معنویت و اخلاق، پایبندی به اصول و ارزش‌ها، و تأثیرگذاری بر جبهه مخالف و تأثیرناپذیری از آن است (خامنه‌ای، بیانات،



امام خمینی، تربیت، تهذیب و برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی را مقصد اصلی بعثت انبیا معرفی می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸: ص ۱۱). ایشان بر خلاف نظریه‌پردازان مادی و آنان که برای درمان معضلات و گرفتاری‌های بشر، بر اقتصاد و برخورداری از قدرت و امکانات مادی تکیه می‌کردند؛ با طرح مسئله معنویت در عرصه معادلات سیاسی- اجتماعی، راه برون‌رفت از گرفتاری‌ها و معضلات جوامع بشری و رسیدن به فلاح و رستگاری را در تکیه بر نیروی لایزال الهی و پیروی از دستورهای حیات‌بخش و تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی اسلام می‌دانستند (صالحی، ۱۳۸۲: شماره ۴۴).

در جریان تحولات سیاسی و اجتماعی در جهان، گفتمان مادی‌گرایانه با به حاشیه بردن دین و معنویت، عرصه‌های سیاسی و فرهنگی را به سلطه سود، قدرت و لذت سپرد. در چنین وضعی، انقلاب اسلامی ایران با گفتمانی متفاوت و برخاسته از آموزه‌های دینی، تلفیقی از عدالت خواهی، آزادی طلبی، معنویت و اخلاق را ارائه کرد؛ گفتمانی که با الهام از اندیشه مهدوی و نگاه به آینده درخشان حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، طرحی نو برای تمدن‌سازی بر پایه ارزش‌های الهی درانداخت و معنویت زنده و اجتماعی را در بطن جامعه و حکمرانی، وارد ساخت.

امامین انقلاب، با در نظر گرفتن آرمان‌های مهدوی، در پی توسعه معنویت و اخلاق در سطح جهانی و حرکت در مسیر آرمان‌نهایی انقلاب اسلامی هستند. انقلاب اسلامی با تکیه بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی متجلی در جامعه موعود مهدوی، می‌کوشد این اصول را در تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی گسترش دهد. دولت تراز با ترویج اخلاق اسلامی و تقویت معنویت، اعتماد عمومی و انسجام اخلاقی جامعه را تقویت می‌کند. پایبندی به اخلاق و معنویت، دولتمردان را از لغزش‌های اخلاقی، مانند فساد و خودکامگی مصون می‌دارد و رفتار آن‌ها را با معیارهای اسلامی همسو می‌کند. دولت تراز با الگوگیری از این ویژگی، باید معنویت را در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی نهادینه و سپس برای ترویج و اشاعه آن در جوامع اسلامی و بین‌المللی تلاش کند.



۵-۲. مقاومت پایدار و بینش توحیدی

«مقاومت» از واژه «قیام» گرفته شده و به معنای ایستادگی، پافشاری، استقامت، دوام و استحکام است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۷۸۲ و نفیسی، ۱۳۴۵: ج ۵، ص ۳۴۴۷). مقاومت به حالتی اشاره دارد که فرد یا گروه در برابر موانع و مشکلات، ثبات و استقامت داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ج ۶، ص ۷۹). از آن جا که انسان هنگامی که می‌خواهد فعالیتی پیگیر انجام دهد، قیام می‌کند و به کار می‌پردازد؛ مقاومت کنایه از حسن اجرای امور و آمادگی برای فعالیت نیز آمده است (همان، ص ۶۱).

«مقاومت» به معنای انتخاب مسیر درست و پیشروی در آن، بدون توقف یا عقب‌نشینی در برابر موانع، به شیوه‌ای عاقلانه و اصولی است. این مفهوم در شخصیت و رفتار امام خمینی به وضوح قابل مشاهده است. ایشان هم در دوران مبارزه با رژیم پهلوی و هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در برابر طاغوت‌های داخلی و خارجی ایستادگی کردند و هرگز در مقابل فشارها یا تطمیع‌ها تسلیم نشدند. دشمنان امام بارها از تهدید، تطمیع و حتی فریب برای منحرف کردن ایشان استفاده کردند؛ اما هیچ‌یک از این روش‌ها نتوانست ساختار تفکر و محاسباتی ایشان را که بر اصول و بینات دینی استوار بود، تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع نشان‌دهنده عمق ایمان، استواری و تعهد ایشان به راه حق بود و تجلی بخش رویکردی است که در آن مقاومت، به معنای ایستادگی فیزیکی در کنار پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی تلقی می‌شود.

چنین رویکردی، الگویی برای تحقق مقاومت هوشمندانه و اصولی است که در آن انسان با شناخت راه درست و مشروع، در برابر موانع و فشارها تسلیم نمی‌شود و به حرکت خود ادامه می‌دهد. این ویژگی در مبارزه با ستم و ظلم و در حفظ استقلال و هویت دینی و ملی، نقش محوری دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). موضوعی که امام خمینی بر آن ایستادگی و پافشاری داشت، حاکمیت دین خدا و مکتب الهی بر جامعه مسلمانان و بر زندگی عموم مردم بود. ایشان از ابتدا، اندیشه مقاومت را به‌عنوان یک اصل بنیادین، مطرح و با توجه به آموزه‌های مهدویت، آن را راهی برای رسیدن به اهداف الهی و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای ملت ایران، مبارزان و مسئولان کشور تلقی کردند.

مفهوم مقاومت، بر پایه‌های عقل، علم و دین استوار است و واکنشی فطری، راهبردی عقلانی



و وعده‌های الهی در فرآیند بیداری امت و نفی سلطه‌پذیری، به شمار می‌آید. بر اساس نگرش مذکور، مقاومت نه تنها به معنای پاسداری و دفاع از هویت و ارزش‌هاست، بلکه راهکاری عملی در برابر تهدیدهای خارجی نیز به شمار می‌آید. مطالعات نشان می‌دهد که هزینه مقاومت از تبعات تسلیم‌پذیری به مراتب کم‌تر است و عزت و استقلال مردم و نظام را تضمین می‌کند. از منظر دینی، قرآن پیروزی نهایی حق را وعده داده و تجربه‌های تاریخی، مانند انقلاب اسلامی، نیز کارآمدی مقاومت را اثبات کرده‌اند.

در آموزه‌های مهدوی نیز استقامت و جهاد، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق عدالت جهانی مطرح شده‌اند. بنابراین، مقاومت الگویی انسان‌ساز و تمدن‌آفرین است که ترویج آن ضرورت دارد. در این چارچوب، مقاومت افزون بر واکنشی سیاسی به تجاوز یا سلطه‌گری، کنشی فعال، هدفمند و ریشه‌دار در آموزه‌های دینی است که کارکردی فراملی دارد. این مقاومت، در پیوندی تنگاتنگ با عدالت جهانی قرار دارد و به‌عنوان ابزاری برای نفی ساختارهای سلطه‌گرانه و کوشش برای تحقق نظامی عادلانه در سطح بین‌المللی عمل می‌کند. این رویکرد، بر پایه آموزه‌های قرآنی از جمله آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (انفال: ۳۹)، استوار است (جوانپور هروی، حسینی پنجمی، احدی، ۱۴۰۲: ص ۸۰-۸۷).

مقاومت در اندیشه امامین انقلاب، صرفاً واکنشی به ظلم نیست، بلکه راهبردی برخاسته از آموزه‌های مهدوی و مسیری هدفمند برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است. دولت تراز انقلاب اسلامی در این منظومه، نقش کلیدی در نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت، مقابله با سلطه‌گری، و تقویت روحیه ایثار و جهاد ایفا و زمینه را برای پذیرش و استقرار دولت جهانی حق فراهم می‌کند. مقاومت، کنشی ضد هژمونیک و تلاشی برای ارائه نظمی بدیل، عادلانه و معنوی در برابر ساختارهای سلطه‌گر جهانی است؛ نظمی که در نهایت، با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به اوج خواهد رسید. سیر تکاملی مقاومت، از مبارزه با استبداد داخلی تا تقابل با نظام سلطه جهانی، به الگویی تمدنی منجر شده که با تربیت نسلی مؤمن و عدالت‌خواه، مسیر ظهور را هموار می‌سازد. از این‌رو، مقاومت بخشی از یک حرکت پیوسته و راهبردی در جهت تحقق عدالت جهانی و ظهور منجی موعود است.

۶-۲. عزت ملی و اسلامی

واژه «عزّت» در لغت به معنای حالت یا وضعیتی است که مانع از مغلوب شدن انسان می‌شود و «أَرْضٌ عَزَازٌ»؛ یعنی زمینی سخت و نفوذناپذیر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۶۳). عزت، حالتی از استقامت، نفوذناپذیری و استواری است که فرد را از سلطه و تحقیر دیگران، حفظ می‌کند. صفت «عزیز» در لغت نیز به کسی اطلاق می‌شود که توانمند است و مقهور و مغلوب نمی‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۹۴). در کاربرد قرآنی، وصف «عزت» که در توصیف خداوند سبحان آمده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸)؛ به معنای قاهریت ذاتی و نفی هرگونه مغلوبیت در حق اوست. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، «عزیز بودن خداوند، نشان‌دهنده آن است که همواره قاهر است و هیچ‌گاه مقهور نخواهد شد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۸۳).

عزت، ارزشی است که در دل آموزه‌های اسلامی و قرآنی ریشه دارد و یکی از ارکان اساسی جامعه اسلامی است. امام خمینی با احیای هویت اسلامی و انسانی، عزت را به جامعه ایرانی بازگرداند و نشان داد که هرگاه ملتی بیدار شود و به ریشه‌های اصیل خود بازگردد، صاحب عزت می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی، عزت را بدین صورت تعریف کرده‌اند:

عزت یعنی هیچ‌گونه تحمیل را قبول نکردن. به عبارت دیگر، معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلت اسلام و مسلمین شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

ایشان عزت ملی را وجه مقابل احساس حقارت می‌دانند و تأکید می‌کنند که ملت باید به سرمایه‌ها، تاریخ و میراث خود نگاه و از آن احساس غرور کند (همان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲). انقلاب اسلامی با احیای عزت ملی آغاز شد و با تقویت استقلال، خودباوری و ایستادگی در برابر سلطه بیگانگان، الگویی از عزت‌مندی در جهان امروز ارائه کرد. این الگو مقدمه‌ای برای تحقق عزت فراگیر در حکومت جهانی امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است؛ دورانی که عزت ملی و جهانی، نه فقط تدافعی، بلکه اثباتی و فعال خواهد بود.

در مرحله کنونی انقلاب، عزت عمدتاً در قالب مقاومت در برابر مستکبران و حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی معنا می‌یابد، اما در دولت کریمه مهدوی، مؤمنان منشأ عزت جهانی خواهند



بود و «اللَّهُمَّ مُعِزَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَمِيدٍ وَ مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنَيْدٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۹۱)؛ تجلی کامل خواهد یافت. عزت در این دوره، مرزهای سیاسی را پشت سر می‌گذارد و به مفهومی ایمانی و ارزشی ارتقا می‌یابد، به گونه‌ای که بر اساس آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ معیار عزت، اتصال به خداوند است.

دولت تراز برای آن که در مسیر زمینه‌سازی ظهور و تحقق عزت جهانی حکومت مهدوی حرکت کند، باید از درون عزتمند باشد. این عزت درونی جز با تربیت مسئولان باتقوا، شجاع، ساده‌زیست، صادق و متوکل حاصل نمی‌شود. در نظامی که معیار برتری، تقواست، مدیریت بدون پایبندی به اخلاق دینی و ارزش‌های معنوی، نه تنها عزت‌آفرین نیست، بلکه موجب زوال سرمایه اجتماعی خواهد شد. عزت در دولت تراز، از درون مسئول باایمان آغاز می‌شود و به جامعه باعزت ختم می‌گردد. بی‌سبب نیست که در حکومت جهانی امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، نخستین ویژگی یاوران آن حضرت، ایمان و تقوا معرفی شده است؛ زیرا تنها بندگان راستین خدا می‌توانند حامل و حافظ عزت الاهی باشند.



نتیجه‌گیری

در منظومه فکری امامین انقلاب، دولت اسلامی ساختاری اجرایی و یک مرحله‌ای بنیادین در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور ولایت عظمای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این مرحله، حلقه واسط میان نظام اسلامی و جامعه اسلامی است. از همین رو، غفلت از آن، به معنای اختلال در سیر تمدنی انقلاب اسلامی خواهد بود. امروز بیش از هر زمان دیگر، بازخوانی دقیق و عمیق از مبانی ارزشی دولت تراز، امری ضروری است. بنابراین، مبانی ارزشی دولت تراز از قبیل عدالت، آزادی، معنویت و اخلاق، عزت، امنیت و مقاومت، باید از گزاره‌هایی صرفاً تزییی در اسناد، به اصول راهبردی در حکمرانی و زیست فردی و اجتماعی برسند.

تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان داده است که فاصله گرفتن از این مبانی، نظام اسلامی را دچار انحراف، رکود یا آسیب می‌کند و پایبندی به آن‌ها، افزایش رضایت مردمی و تقویت اعتماد و امید به آینده را به دنبال خواهد داشت. در واقع، این ارزش‌ها، سیاست‌های راهبردی دولت و ملت در مسیر ظهور محسوب می‌شوند. از این رو، دولتمردان نظام جمهوری اسلامی، اگر مدعی تحقق یک حکمرانی الگو، در جایگاه زمینه‌سازی برای ظهورند، باید در همه سطوح، این ارزش‌ها را از امور صرفاً نظری به الگوهای عینی و قابل سنجش تبدیل کنند. دولت اسلامی زمانی بر معیارهای اسلامی منطبق خواهد بود که عدالت را در بهره‌مندی همه افراد از موقعیت‌های رشد و پیشرفت، آزادی را در بستر دیانت، اخلاق را در عملکرد سازمانی، عزت را در روابط بین‌الملل، امنیت را در سایه ایمان، و مقاومت را در برابر سلطه طلبی، به نمایش بگذارد. در نهایت، تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی، بدون خوانشی تمدنی، راهبردی و منتظرانه از این مبانی ارزشی، ممکن نیست. اگر هدف نهایی، آمادگی برای ظهور و مشارکت در تحقق عدالت جهانی است، هیچ مسیری جز حرکت مستمر و دقیق در چارچوب ارزش‌های اسلامی، وجود ندارد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، نشر صدوق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضر الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. _____ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیة.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). *اقبال الاعمال*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۷. الاهی نژاد، حسین (تابستان ۱۳۹۹). *تبیین قرآنی نقش مقاومت در حکومت جهانی مهدوی*، علوم قرآن و حدیث، شماره ۲.
۸. امامی، محمد جعفر (۱۳۸۷). *لغات در تفسیر نمونه*، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۹. اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۴۰۱). *برخی مفاهیم اساسی بیانیه ی گام دوم انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۰. آرون، ریمون (۱۳۸۵). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، مترجم: باقر پرهام، تهران، نشر نی.
۱۱. آشوری، داریوش (۱۳۹۱). *دانشنامه سیاسی*، تهران، انتشارات مروارید.
۱۲. آشوری، محمدی، حسین، مهدی (زمستان ۱۳۹۹). «*جایگاه آموزه مهدویت و انتظار در ایجاد تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی*»، پژوهش های مهدوی، شماره ۳۵.
۱۳. برهان، محمد حسین بن خلف (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، تهران، نیما.
۱۴. بهروزی لک، غلامرضا، کفیلی، رضا (بهار ۱۴۰۱). «*نقش و جایگاه آموزه های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه ی گام دوم انقلاب اسلامی*» (باتاکید برآموزه عدالت)، مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱.

۱۵. ثقفی، علی (۱۳۹۱). *درس گفتارهای نهضت انتظار و فرآیند تحقق اهداف اسلامی*، تهران، بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *فرات تا فرات*، مرکز تخصصی مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۸. حاجی زاده، علیرضا (آبان ۱۴۰۰). *فهم اهداف و وظایف حکومت اسلامی جهت تحول در حکمرانی*، حکمرانی متعالی، شماره ۳.
۱۹. حاذقی، محمد هادی (۱۴۰۰). *مبانی بنیادی ارزش‌شناسی از دیدگاه اسلامی*، تهران، بنیاد علوم و معارف اسلامی.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). *ولایت و حکومت*، تهران، انتشارات صهباء.
۲۱. _____ (۱۳۹۴). *منشور معارف انقلاب اسلامی: پیام دهم خرداد ۱۳۶۹ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۲. _____ (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۳. _____ (۱۳۹۸). *نگاهی به نظریه انتظار: در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۴. _____ (۱۳۹۸). *امام خمینی و انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *جهاد اکبر*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. _____ (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. _____ (۱۳۸۰). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران-مؤسسه انتشارات و چاپ.
۲۹. _____ (۱۳۹۰). *فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران-مؤسسه



انتشارات و چاپ.

۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالشامیه.
۳۱. رباطی، معینی نژاد، فاطمه السادات، لیلا (۱۳۹۹). *نماد عزت ملی از منظر مقام معظم رهبری در راستای بیانیه گام دوم انقلاب*، بجنورد، همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی مقام سپهبد قاسم سلیمانی.
۳۲. ریتزر، جرج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محمد شجاعیان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۳. سعادت نیا، رضا، حیدری، نرگس (تابستان و پاییز ۱۳۹۲). *راهکارهای عزت و اقتدار اسلامی از منظر قرآن و روایات، قرآنی کوثر*، شماره ۴۷.
۳۴. سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۶)، *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، انتشارات امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۵. شارون، جوئل (۱۳۸۸). *ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۳۶. صادقی، الهه، موحدی، سمانه (بهار ۱۴۰۲). *مبانی و شاخص‌های دولت اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای*، دولت پژوهی، شماره ۳۳.
۳۷. صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸). *اندیشه‌ی مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۳۹. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۵). *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم، بوستان کتاب.
۴۰. عباسپور، سعدی (۱۳۹۳). *گسست‌های عدالت در لیبرالیسم*، علوم انسانی صدرا، تابستان، شماره ۱۰.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*، قم، مؤسسه دارالهجره.
۴۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *مصباح المنیر*، قم، مؤسسه دارالهجره.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*، مصحح: طیب موسوی جزائری، قم، دار

الکتاب.

۴۴. قیصری، نورالله (تابستان ۱۳۹۳). *مکاتب امنیتی: نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین*، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۲.
۴۵. کوئن، بروس (۱۳۶۹). *درآمدی بر جامعه شناسی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
۴۶. لطیفی، محمود (بهار ۱۳۸۴). «*مبانی عدالت اجتماعی*»، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۳۵.
۴۷. مرتضوی، سیدیحیی (بهار و تابستان ۱۴۰۰). «*شاخص های دولت تراز انقلاب اسلامی با تاکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری*»، مدیریت در اسلام، شماره ۴۲.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). *عدل الاهی*، تهران، صدرا.
۵۰. مطهری، مهدی (۱۳۹۸). *امام خمینی ره و انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. ملایی، حسن (۱۳۹۶). *ما منتظریم: خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه‌ای*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۵۳. ——— (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «*مهدویت، کلان آرمان انقلاب اسلامی و الزامات فرهنگی آن در اندیشه امام خامنه‌ای*»، پژوهشنامه موعود، شماره ۱.
۵۴. ——— (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «*نقش مهدویت بر اندیشه مقاومت در انقلاب اسلامی با تاکید بر آرای حضرت آیت الله خامنه‌ای*»، پژوهشنامه موعود، شماره ۶.
۵۵. ملکی، حسن (۱۴۰۳). «*درآمدی بر نظریه تعلیم و تربیت در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*»، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۵۶. مهربان، غلامرضا (بهمن ۱۴۰۰). *دولت تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، فصلنامه پاسخ، شماره ۲۴.
۵۷. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت*



- شناسی امام مهدی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۹. نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۵). *فرهنگ نفیسی*، تهران، خیام.
۶۰. نیکزاد، عباس (اسفند ۱۳۸۱). *دین و امنیت*، رواق اندیشه، ۱۳۸۱، شماره ۱۵.
۶۱. وبر، ماکس (۱۳۹۰). *روش شناسی علوم اجتماعی*، مترجم: حسن چاوشیان، تهران.
۶۲. یاقوتی، ابراهیم (شهریور ۱۳۹۸). *مؤلفه ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه های امام خمینی و مقام معظم رهبری*، شاهد اندیشه، شماره ۱.
۶۳. *نرم افزار حدیث ولایت ۳*، مجموعه بیانات و پیام های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای و آثار انتشارات انقلاب اسلامی.